

تحلیل سیاست جنایی امنیت مدار در پرتو اصول اخلاقی و موازین حقوق بشری

اسلام مندنی^۱

محمد آشوری^۲

چکیده

ماهیت سیاست جنایی به گونه ای است که با اخلاقیات و ارزش ها پیوند ناگسستنی دارد، این امر از واشکافی و تبیین اهداف، مبانی و روش های سیاست جنایی چه در مفهوم مضیق و چه در مفهوم موسع آن به خوبی آشکار می شود، به گونه ای که نمی توان بعدی از سیاست جنایی را بدون لحاظ لایه ها و رگه های اخلاقی و ارزشی آن مورد بررسی قرار داد. از طرفی امنیت گرایی، راهبردی است که نفوذ موفق و قابل قبول آن در عرصه سیاست جنایی حاکم بر جامعه مستلزم هم پوشانی و انطباق با موازین حقوق بشری محدودکننده و رعایت حریم خصوصی و منزلت ذاتی انسان هاست. لذا چنانچه گفتمان امنیت گرایی بنا به هر دلیلی نتواند اصول اخلاقی و موازین حقوق بشری مورد تأکید حقوق بین الملل را تأمین و ضمانت کند، هرگز سیاستی موجه نبوده و در بلندمدت در مسیر مبارزه با معضل پدیده جنایی با شکست و ناکامی مواجه خواهد شد. توجه به شرایط زمانی و مکانی مختلف و رعایت مفاد اسناد و کنوانسیون های بین المللی، گزاره ای است که شرط مثبت جلوه کردن کیفیت تعامل و برهم کنش سیاست جنایی امنیت گرا و موازین حقوق بشر و اصول اخلاقی بوده و می تواند به رفع بسیاری از موانع موجود فراروی چنین تعاملی کمک شایانی نماید. مقاله حاضر سعی دارد به این سؤال پاسخ دهد که وضعیت تعامل موازین حقوق بشری و اصول اخلاقی با نظام فکری سیاست جنایی امنیت مدار به چه نحوی است؟ و به طور کلی محدودیت های حقوق بشری و اخلاقی فراروی این الگو کدامند.

واژگان کلیدی

سیاست جنایی، امنیت، امنیت مداری، اصول اخلاقی، موازین حقوق بشری.

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

Email: eslam.mondani@gmail.com

۲. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم

Email: mashoori@ut.ac.ir

و تحقیقات تهران، (نویسنده مسئول).

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۵/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۴

طرح مسأله

در عصر حاضر افزایش روزافزون آمار جرائم و انحرافات اجتماعی در اقصی نقاط گیتی به سیاستگذاران این فرصت و بهانه را اعطا نموده است که بر محور سیاست‌هایی از قبیل سیاست «تسامح صفر»، قوانین و مقررات سختگیرانه تری وضع و تصویب نموده و حداقل رفتارهای ناپه‌نجا و خلاف قانون را به شدت هر چه تمام‌تر پاسخ دهند. در این مسیر شاهد بروز تحولات و تغییراتی در ساختار سیاست‌های جنایی اتخاذی می‌باشیم که عموماً حداکثری شدن ابعاد سرکوبگر نهفته در ذات آنها را نمایانگر می‌باشند. در واقع به موازات امنیت مدار شدن سیاست جنایی، جهت‌گیری کلی آن نیز در مسیری میل می‌کند که بسیاری از اصول اخلاقی و هنجارهای نظام کیفری حقوق بشر را کنار نهاده است. از جمله مهم‌ترین مصادیق تجربی این اصول و هنجارها می‌توان به مواردی چون پالودن پیش‌فرض‌های نخستین در سیاست جنایی از قضاوت ارزشی و تفکر قالبی منفی نسبت به مجرمان و منحرفان و توسعه اقتدار و قلمرو مداخله جامعه مدنی به موازات افزایش مداخله دولت در امر پیشگیری و پاسخگویی پدیده جنایی اشاره نمود که کم‌وبیش رسوخ راهبردهای امنیت مدار در بطن سیاست جنایی موجب تحت‌الشعاع قرار گرفتن آنها گشته است. بنابراین، می‌توان گفت که اصول اخلاقی و موازین حقوق بشر در ابعاد کیفری دارای چارچوب و نظام فکری خاصی است که طراحی هرگونه الگو در عرصه سیاست یا سیاست‌های جنایی بایستی بدان‌ها توجه داشته و موجب تعرض بدان‌ها نگردد. کیفری شدن حقوق بشر، و لزوم توجه به اخلاق در جرم‌انگاری و سایر ابعاد کیفری، گستردگی این عرصه از نظام حقوق بنیادین را به تصویر می‌کشد که امروزه در همه زمینه‌های حیات اجتماعی حضور مستمر و درخشان دارد. لذا تعامل مثبت سیاست جنایی با اصول اخلاقی و نیز نظام کیفری حقوق بشر امری بایسته است که البته شرایط خاص خود را دارد و با مشکلات و محدودیت‌های خاصی هم مواجه است.

در خصوص رابطه اخلاق و سیاست جنایی به طور کلی از دو زاویه می‌توان به بحث نشست، نخست اینکه آیا حقوق می‌تواند شهروندان را ملزم به اخلاقی بودن نماید؟ این گونه مباحث که مرتبط با عنوان کلی «الزام قانونی اخلاق» است بسیار مورد بررسی قرار گرفته است به گونه‌ای که می‌توان مدعی شد عمده مطالب مطروحه تحت عنوان رابطه حقوق و اخلاق، به این جنبه از بحث می‌پردازد. اما این، تمام بحث نیست. دومین زاویه دیدی که می‌توان به بحث رابطه اخلاق با سیاست جنایی داشت. به این مطلب توجه می‌کند که اگر اعمال سیاست‌های جنایی تابع قواعد اخلاقی است چگونه می‌توان از ابزارهای حقوق کیفری استفاده ابزاری کردو به هر بهانه‌ای در مقابل شهروندان متوسل به این ابزارهای قهری شد؟ لذا بحث اخیر، نه الزام قانونی اخلاق و باید‌ها و نبایدهای آن، بلکه چیزی است که ما آن را «اخلاق اعمال کیفر

و سیاست جنایی^۱ می‌نامیم. این رابطه وقتی که بخواهیم در خصوص سیاست جنایی امنیت مدار بحث کنیم، شکل پر رنگ تری به خود می‌گیرد.

از طرفی سیاست جنایی که در تعریفی جهانی علم تدبیر پدیده جنایی از سوی هیئت اجتماع در ابعاد پاسخگویی و پیشگیری معرفی می‌گردد، با بسیاری از قلمروهای حقوقی و از جمله قلمرو کاربردی حقوق بشر در تعامل مستقیم می‌باشد. اعلامیه جهانی حقوق بشر با ایجاد معیاری مشترک برای سنجش دستاوردهای همه انسان‌ها و ملت‌ها، در تحقق حقوق و آزادی‌های بنیادین نوع بشر، خدمت اصلی به حقوق طبیعی را انجام داد و در عین حال با ایجاد تحولات بنیادین بین‌المللی و تصریح بر ارزش‌های اخلاقی- انسانی دوره کنونی را دوران تحول و تنش جهت ایجاد تعادل و توازن میان ادعای جهان‌شمولی حقوق بشر و چالش‌های نسبی‌گرا مبدل ساخت. در این زمان، سیاست جنایی که راهبردهایی عملی در راستای مقابله با پدیده جنایی را پیشنهاد می‌دهد، مصون از این جریانات نمانده است. در واقع موازین و آموزه‌های حقوق بشر به نحو قابل ملاحظه‌ای معیار تعدیل و پالایش سیاست‌های جنایی قرار گرفته‌اند و در خیلی از ابعاد به تکامل راهبردهای آنها کمک شایانی نموده‌اند.

تجربیات جهان امروز نشان می‌دهد که از یک سو، آموزه‌های حقوق بشری، موجب شده است که منطق کلان سیاست جنایی اتخاذی روحیه سازش‌گر و مصالحه جویانه به خود گرفته و به فراخور شرایط زمانی و مکانی به تعدیل راهبردهای خود اقبال گردد. از سوی دیگر، سیاست جنایی و راهبردهای عملی آن به مثابه معیار سنجش میزان و قلمرو واقع‌گرایی آموزه‌های حقوق بشری در بعد کیفی جلوه می‌کنند که می‌تواند به تحدید و تصفیه ابعاد انتزاعی غیرقابل اجرای آنها در شرایط کنونی جوامع منتهی گردند. در واقع سیاست جنایی نظام اجتماعی، به پدیده جنایی به مثابه یک «قاعده یا قانون به هنجار» نگاه می‌کند و لذا سعی دارد که طی رویکردی واقع بینانه، راهکارهایی را در راستای مهار این پدیده تا سطح قابل‌تحملی برای نظام اجتماعی ارائه دهد. علاوه بر این، در حوزه‌های متعدد دیگری نیز می‌توان نفوذ و اثرگذاری سیاست جنایی را بر موازین حقوق بشر مشاهده کرد، از جمله این حوزه‌ها می‌توان به مقوله پیشگیری از جرم اشاره کرد. البته این در حالی است که امروزه بسیاری از طرفداران گفتمان حقوق بشر، مدعی‌اند غالب مدل‌های پیشگیری از جرم در متن برنامه‌های سیاست‌های جنایی اتخاذی، معارض حقوق بنیادین بشر است. به‌عنوان مثال، در بعد پیشگیری وضعی از جرم که تقویت آماج‌های احتمالی جرم و دشوارسازی ارتکاب آن بر محور بر هم زدن عقلانیت اقتصادی و محاسبه‌گر بزه‌کار در

۱. رحمانیان، حامد، حبیب زاده، محمد جعفر؛ ابزار گرایی کیفی، قلمرو، مفهوم، شاخص‌ها، مجله پژوهش حقوق

کیفری، سال دوم، شماره ۵، زمستان، ۱۳۹۲، ص: ۴۸.

کانون توجه قرار دارد، حامیان حقوق بشر مدعی‌اند برنامه‌هایی همانند نصب و بکار بستن دوربین‌های مداربسته در سطح شوارع و داخل مراکز عمومی و خصوصی دیگر از مجرای منطق این مدل از پیشگیری، نقض صریح حقوق بشر است. این در حالی است که مدافعان و تئوریسین‌های پارامترهای امنیت مداری در عرصه سیاست جنایی، ضمن کنار زدن این شبهات سعی در تحکیم مبادی توجیهی توسل به چنین تکنولوژی‌هایی در عرصه مبارزه با تبهکاری و پیشگیری از جرم دارند. بنابراین، مسئله غالب مقاله فرارو عبارت از؛ تبیین جهت‌گیری امنیت مداری در عرصه سیاست جنایی و برجسته‌سازی نحوه تعامل و یا چالش و تقابل احتمالی آن با مبادی فکری و پارادایمی حقوق بشر می‌باشد.

۱. مفهوم شناسی سیاست جنایی و رویکرد امنیت مداری

سیاست جنایی مجموعه شیوه‌هایی است که هیئت اجتماع با استفاده از آنها پاسخ‌های علیه پدیده مجرمانه را سازمان می‌دهد.^۱ این تعریف به مفهوم علمی سیاست جنایی بسیار نزدیک‌تر است و با قدری مذاقه در آن معلوم می‌شود که سیاست جنایی از یک‌سو، علاوه بر جرم پاسخ به انحرافات را نیز مدنظر دارد و پاسخ هم ماهیت صرفاً کیفری ندارد و از سوی دیگر، علاوه بر دولت، جامعه مدنی نیز در پاسخ به پدیده جنایی نقش مستقیم دارد.

تضمین نظام ارزشی جامعه و دفع تهدیدات و هراس‌ها نسبت بدان‌ها به‌واسطه بهره‌گیری از ابزارهای مختلفی چون جرم‌انگاری، کیفردهی و ... اندیشه‌ای است که دولت‌های مختلف در راستای آن تلاش نموده‌اند. برقراری امنیت اجتماعی، هدفی گران‌سنگ است که دولت‌ها برای تجلی آن هزینه‌های گزافی متحمل شده و حتی حاضرند پاره‌ای از محدودیت‌های قانونی را نادیده بگیرند. در این راستا، تحمیل هرگونه محدودیتی فراتر از قانون و قواعد حداقلی مدیریت اجتماعی مردم‌سالار بر شهروندان، نهادینه شدن و توسعه بی‌رویه افراطی اندیشه امنیت‌گرایی را در جامعه نوید می‌دهد که در بلندمدت ثمره‌ای جز انفعال هر چه افزون‌تر فرایند صیانت از نظام ارزشی جامعه و نقض حقوق بنیادین مردمان نخواهد داشت.

قواعد حقوق بین‌الملل و اسنادی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر که تنظیم‌کننده روابط دولت‌ها، سازمان‌ها و شهروندان در دهکده جهانی و در تعامل با همدیگر می‌باشند، بر این حقیقت صحه‌گزارده‌اند که اگر راهبرد امنیت‌گرایی هویتی انعطاف‌پذیر و حداقلی نداشته باشد، از چرخه استانداردهای حقوق بشر خارج شده و حتی حسب صلاحدید حاکمان وقت می‌تواند بدیهی‌ترین قواعد و هنجارهای قانونی و بین‌المللی را مورد تعرض قرار دهد. بنابراین، در راستای مطالعه و

۱. دلماس مارتی، مری؛ مدل‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران:

درک هر چه بهتر مقوله امنیت گرای بی‌بایستی این مسائل را مدنظر داشت.^۱

دولت در هر جامعه‌ای مظهر مصلحت عمومی است که کار ویژه‌های متفاوتی دارد؛ از جمله حفظ نظم و امنیت، حراست از حقوق بنیادین افراد جامعه و... در برخی نظریه‌های دولت بر وجه قهرآمیز آن تأکید شده است، از این رو برخی رئالیست‌ها و مارکسیست‌ها اساساً دولت را ابزار اجبار تلقی نموده‌اند.^۲ واقع‌گرایان به‌خوبی دریافته‌اند که انسان در غیاب قدرت و اجبار دولتی و اجتماعی به سرکشی و تجاوز روی می‌آورد. به‌واسطه بهره‌مندی از وجه اقتدار، همواره اعمال و رفتارهای دولت در درجه اول پدیده‌ای اجبارآمیز بوده است. هر دولتی از طرفی طبق تعهدات داخلی با شهروندان خود و مطابق الزامات و التزامات بین‌المللی و حقوق بشری خود باید شرایط تحقق و حفظ حقوق بنیادین را برای شهروندانش فراهم سازد. از سوی دیگر برای بقا و حفظ موجودیت سیاسی خود ممکن است به شدیدترین ابزارها یا همان قوه قهریه متوسل گردد.^۳ برای تضمین حداقلی همین دو مقوله نیازمند به‌کارگیری سازوکارهای امنیتی هستیم. بنابراین پرسش آن است که ایجاد تعادل و توازن بین این دو چگونه میسر است؟ حفظ نظم و امنیت عمومی، از حقوق لازم و ضروری برای بقاء شهروند در یک جامعه دموکراتیک محسوب می‌شود. مهم‌ترین مقوله در مباحث راجع به امنیت، امنیت ملت-دولت است که بر پایه دو ستون ملت و دولت استوار شده است. چون دولت از سوی مردم گزینش می‌شود و این ملت است که موضوع امنیت ملی خواهد بود و تهدیدها بر ضد امنیت ملی پیوند ناگسستنی با هستی و استواری یک ملت دارد. روی هم رفته امنیت ملی در جهان امروز برجسته‌ترین ارزش دولت‌هاست. دولت‌های مردم‌سالار از ترس مداخله و دست‌اندازی دولت‌های غیرمردم‌سالار، امنیت ملی را پیش می‌کشند و دولت‌های غیرمردم‌سالار، رخنه‌های نادیدنی دولت‌های مردم‌سالار در نظام حکومتی فراگیر را تهدید به شمار می‌آورند.^۴ در دولت‌های مردم‌سالار هر چیزی از بیرون، دولت را مورد هجوم قرار دهد تهدید بر علیه امنیت کشور به شمار می‌رود ولی در دولت‌های اقتدارگرا هر تهدیدی مسئله‌ای امنیتی محسوب می‌شود. در نوع اخیر از دولت، فرافکنی بین مقامات حکومتی برای سلب مسئولیت و توجیه مشروعیت امری شایع است و به بهانه حفظ امنیت کشور، آزادی‌های عمومی و حقوق بنیادین افراد دستخوش چالش‌های بسیاری می‌شود. به‌عنوان یک نمونه ملموس و مشهور می‌توان گفت فضای رعب‌آور پس از فاجعه انسانی ۱۱ سپتامبر توجیه اساسی برای اعمال

1. Pound, R; Public law and Private law, criminal law and criminology, vol.5, issue.4, 1993, p.57

۲. بشیریه، حسین؛ آموزش دانش سیاسی، چاپ چهارم، تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۴، ص ۲۷

3. Roach, K; The criminal law and Terrorism, second edition, Cambridge university press, 2006, p.8

۴. عالی پور، حسن؛ جرایم بر ضد امنیت ملی، چاپ اول، تهران: نشر خرسندی، ۱۳۸۸، ص ۳۳

مجموعه‌ای از اقدامات کنترلی بوده که آزادی‌های مدنی را به نام امنیت داخلی محدود و سلب کرده تا جایی که عده‌ای این تحول را «حالت استثناء» تلقی کرده‌اند. سیاست‌های پلیسی عدم مدارا، استفاده گسترده از نظارت ویدیویی و روش‌های مختلفی که امروزه برای مبارزه با تروریسم مورد استفاده قرار می‌گیرد با هدف استقرار نظم و امنیت و در نهایت حفظ منافع عمومی است که هیچ توجیهی نمی‌طلبد. فضای امنیتی پس از ۱۱ سپتامبر به عنوان بستری برای معرفی فناوری‌های جدید در سطح جهان عمل کرده و به قسمتی از زندگی روزانه شهروندان تبدیل شده‌اند.^۱

اگر نه همه هدف دولت و نه بخش بزرگ آن از اقدامات امنیت مدارا، استقرار و حفظ امنیت برای دولت و مردم باشد، در اینکه دولت حتی به بخش کوچکی از خواسته‌های خود دست‌یافته باشد جای تردید وجود دارد. استفاده بیش از حد از روش‌های وضعی در پیشگیری از جرم علاوه بر آنکه منجر به شکل‌گیری دولت پدرسالار کیفری در عمل شده، افزایش ترس از جرم به واسطه تدابیر مختلف پیشگیری وضعی به شهروندان این پیام را القاء می‌کند که محیط زندگی آنان خطرناک است. افزایش اقدامات امنیتی آشکار موجب می‌شود تا شهروندان عادی به خاطر ترس از بزه دیدگی واکنش‌های روانی مختلفی از خود بروز دهند، حس بدگمانی و سوءظن آنان نسبت به دیگران افزایش یابد، تعاملات فردی و اجتماعی‌شان تضعیف گردد، گوشه‌گیر و ضداجتماعی شده و کمتر از منزل خارج شوند. حال سؤال این است که واقعاً این تعارضات چگونه قابل توجیه‌اند و جمع آنها چگونه میسر است؟ در حال باید این واقعیت را پذیرفت که گسترش اقدامات پیشگیرانه با رویکردهای امنیتی افراطی، شهرها و محله‌ها را به شکل قلعه‌های مستحکم نظامی درآورده است. این کار ممکن است تا اندازه‌ای منجر به کاهش جرم شود لیکن بهایی که برای آن پرداخت می‌شود بسیار بالاست چنانچه به نظر می‌رسد ضایعات افراط در اجرای این تدابیر چیزی کمتر از خسارات ناشی از جرم نباشد.^۲

امنیت‌گرایی در اصطلاح یعنی مبتنی کردن قواعد و مقررات حقوق کیفری بر حاکمیت امنیت اگرچه به قیمت شکسته شدن عدالت و نگذاشتن پایه احقاق حق بر مساوات و عدم توجه به حقوق متهم تمام شود. در اصطلاح حقوقی، امنیت‌گرایی عبارت از فدا کردن برخی از حقوق متهمان و مجرمان به منظور حاکمیت امنیت است. با وجود این، به نظر می‌رسد فقط به علت ظهور پدیده‌های نوین مجرمانه، معدودی از کشورها به منظور حاکمیت امنیت در مورد جرائم خاصی حاضر به محو کردن حقوق اولیه بشری، از جمله حق دادرسی عادلانه شده‌اند... قلمرو موضوعی

۱. بابایی، یوسف و عباسی، اصلی؛ جهانی سازی و جرم، چاپ اول، تهران: نشر مجد، ۱۳۹۰، ص ۱۹۳

۲. محمدنسل، غلامرضا؛ پلیس و سیاست پیشگیری از جرم، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۸۰

حقوق جزای امنیت گرا را جرائم سازمان یافته فراملی، و جرائم تروریستی تشکیل می دهند و اصولی از قبیل تقدم اماره مجرمیت بر اصل براءت، غیرعلنی بودن دادرسی، حمایت ویژه از شهود و توسعه دامنه مسئولیت، مورد اتخاذ است.^۱

۲. ارتباط اخلاق و سیاست جنایی امنیت مدار

ماهیت سیاست جنایی به گونه ای است که با اخلاقیات و ارزش ها پیوند ناگسستنی دارد، این امر از واشکافی و تبیین اهداف، مبانی و روش های سیاست جنایی چه در مفهوم مضیق و چه در مفهوم موسع آن به خوبی آشکار می شود، به گونه ای که نمی توان بعدی از سیاست جنایی را بدون لحاظ لایه ها و رگه های اخلاقی و ارزشی آن مورد بررسی قرار داد. این امر هم در گرایش کفیری در دو بعد ماهوی و شکلی و هم در گرایش پیشگیری سیاست جنایی بخوبی نمودار است. افزون بر این اصولاً سیاست گذاری هایی که در این زمینه ها انجام می گیرد خالی از ارزش داوری های اخلاقی نیست. در مقابل اخلاقیات فردی و اجتماعی نیز اموری ثابت و لایتغیر نیستند. هر چند اصول اخلاقی ثابتی در تاریخ بشر دیده می شود، اما سیاست گذاری های کلان اجتماعی و به ویژه در بعد کفیری و پیشگیری می تواند در تفسیر این اصول و تطبیق دادن آن بر مصادیق خاص و نیز در اصول اخلاقی متغیر به تبع آداب و رسوم تحولات اجتماعی موثر واقع شود، بنابراین اگر چه قانون ترجمان اخلاق است، اخلاق نیز متأثر از قانون است.^۲

در این میان وقتی صحبت از سیاست جنایی امنیت مدار می شود. باید به چالش ها و محدودیت های ویژه این نوع از سیاست جنایی نیز توجه داشت. از عمده ترین چالش های مورد بحث که در ادامه به برخی از آنها خواهیم پرداخت. مد نظر قرار دادن اصول اخلاقی در این ارتباط می باشد. چرا که جهت گیری امنیت در هر نوع از سیاست و به خصوص سیاست جنایی ممکن است مورد انتقاد اخلاقی قرار گیرد. بحثی که از دیدگاه موازین حقوق بشری که خود متکی به اصول اخلاقی می باشد نیز کاملاً برجسته و نمایان است.

از طرفی اما برخی معتقد به جدایی اخلاق از سیاست جنایی هستند. به عبارتی صحیح تر، معتقد به حاکمیت اخلاق «بد» بر سیاست جنایی هستند.^۳ چنین وضعیتی را می توان «ماکیاولیزم کفیری» یا «ابزار گرایی کفیری» نام نهاد. می توان هر اقدام و تصمیم متخذه در حوزه

۱. رسن، جفری؛ نگاهی به سیاست تسامح صفر، ترجمه جلال الدین قیاسی، مجله فقه و حقوق، شماره ۴، ۱۳۸۴، ص ۱۷۳

۲ - حاجی ده ابادی، محمد علی؛ ارتباط اخلاق و سیاست جنایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه مفید، ۱۳۷۹، ص ۱

۳ - رحمانیان، حامد، حبیب زاده، محمد جعفر؛ ابزار گرایی کفیری، قلمرو، مفهوم، شاخص ها، مجله پژوهش حقوق کفیری، سال دوم، شماره ۵، زمستان، ۱۳۹۲، ص ۶۷

سیاست جنایی را که دارای ویژگی‌های زیر باشد ابزار گرای کیفری نامید: شاخص‌های عینی شامل: ۱- توسل به مقوله کیفری بعنوان «در دسترس‌ترین» ابزار؛ ۲- نادیده انگاشتن اصول مسلم حقوقی؛ ۳- نادیده انگاشتن اصول مسلم اخلاقی. شاخص‌های ذهنی شامل: ۱- قصد دستیابی به یک هدف، فایده یا مصلحت عملی؛ ۲- قصد تمسک به یک راه حل یا تسکین سریع و آسان.^۱

با این وجود به همان دلیلی که در حوزه سیاست عمومی، ماکیاولیزم، مورد انتقاد قرار می‌گیرد. در حوزه سیاست جنایی امنیت مدار نیز ابزار گرای کیفری، باید مورد انتقاد قرار گیرد. مصلحت‌سنجی‌های اقتصادی، حزبی، سیاسی، امنیتی و... و توسل بی‌درنگ به کیفر و مقولات کیفری برای نیل به این مصلحت‌ها، در بسیاری از موارد، صبغه‌ای غیر اخلاقی داشته و حتی اگر در دل حقوق کیفری به الزام قانونی اخلاق روی آورده و در تلاش باشیم که با کمک الزامات قانونی جامعه را اخلاقی کنیم، در مقابل، با ابزار گرای کیفری نوعی بد اخلاقی را وارد سیاست جنایی کرده و از این طریق، به نهادینه شدن بد اخلاقی در جامعه دامن می‌زنیم.

۳. چالش‌ها و محدودیت‌ها در حوزه فایده‌مداری راهبرد امنیت‌مداری

مهم‌ترین سؤالی که سیاست جنایی امنیت‌مدار باید بدان پاسخ دهد، این است که آیا اجرای تدابیر امنیت‌مدار در جامعه برای مبارزه با جرائم لزوماً می‌تواند واجد سودمندی و فایده اجتماعی باشد؟ این سؤال، فلسفه این‌گونه از سیاست جنایی را با چالش مواجه ساخته و هر سطح فاصله گرفتن از این معیار را دلیلی برای کنار گذاشتن و یا حداقل، محدود ساختن دامنه تدابیر امنیت‌مدار معرفی می‌کند.^۲

فایده‌مداری اجتماعی مدعی است که اجرای تدابیر قانونی و قضایی زمانی سودمند است که قبل از اجرا به اطلاع عموم مخاطبان رسانده شده و برای اجرای آنها از قبل بسترسازی شود. لذا اینکه مقررات کیفری باید از قبل تعیین و به افراد اطلاع داده شود، اصلی است کاملاً عقلی و منطقی، زیرا وجود قوانینی ثابت که در پناه آن شهروندان بتوانند آزادانه و بدون هراس و دل‌نگرانی مناسبات اجتماعی خود را گسترش دهند، شرط تضمین حقوق و آزادی‌های مذکور است.^۳ اصل قانونی بودن تدابیر، اعمال ممنوع را معرفی می‌نماید و واکنش دولت را علیه آزادی‌های ملت، صرفاً محدود به آن اعمال از پیش تعیین شده می‌کند که این خود دلالت بر این امر دارد که افراد جامعه در راستای سایر امور آزاد هستند و هیچ‌کس با هیچ بهانه‌ای حق تعرض

۱. پیشین

۲. کریمی، زاله؛ سیر تکاملی مقررات جزایی از گذشته تاکنون، مجله ندای حق، شماره ۴، ۱۳۷۷، ص ۱۲

۳. رسولی، مهدی؛ نظریات فلسفه حقوق کیفری، تهران، نشر سپهند، ۱۳۸۲، ص ۱۲

به آنها را ندارد.^۱

افزایش جرائم مختلف عملاً مردم و دولت را در اضطراب و نگرانی فرو می‌برند. لذا دولت‌ها چاره‌ای جز توسل به تدابیر فوق‌العاده امنیتی و سرکوبگر ندارند و در این راستا به ناچار بر پاره‌ای از حقوق فردی شهروندان خط بطلان کشیده و عملاً منافع فردی را قربانی منافع امنیتی می‌نمایند. این جلوه از فایده‌گرایی همان چیزی است که سیاست جنایی امنیت‌گرا پیوندی ذاتی با آن دارد.^۲

در راستای اجرای تدابیر امنیت مدار و تأمین نظام فواید اجتماعی، دولت‌مردان از سویی نگران ملاحظات مربوط به پدیده‌های سیاسی چون مدیریت کشور و کنترل فضای اداری، مشاغل و نهادهای عمومی آن می‌باشند و از سویی دیگر هم‌زمان به فکر کارایی تدابیر امنیتی با حداقل هزینه‌ها و آثار در مهار جرائم خطرناک می‌باشند. این وضعیت به‌ناچار در سیاست جنایی تأثیر گذارده و بخشی از واقعیت عمیق پدیده جنایی را نادیده گرفته و از دولت تقاضای تأمین امنیت می‌نماید.^۳ این چرخه سبب می‌شود که در اجرای تدابیر جنایی یکسری محاسبات اقتصادی و منفعت مدار بروز کند که طی آنها ممکن است برخی جرائم اساساً مورد توجه واقع نشده و برخی دیگر در کانون تهاجم قضایی و کیفری قرار گیرند.

نگاه مصلحت‌محورانه به حاکمیت و امنیت و قربانی کردن آزادی افراد در پای آن بیشتر با نظریات سودمدار سازگار است. نظریه هنجاری نفع مدار، یکی از دیدگاه‌های مسلط در ادبیات اخلاقی، حقوقی و سیاسی معاصر و جهت‌گیری‌های نظریات نفع مدار بارزترین نمونه دیدگاه‌های نتیجه‌گرا در حوزه‌های هنجارهای اخلاقی است. نتیجه‌گرایان، اخلاقی بودن عمل و یا قاعده را بر مبنای پیامدها و نتایج آن ارزیابی می‌کنند. از این منظر ملاک ارزیابی تدابیر سیاست جنایی امنیت‌گرا، موجه بودن عمل و میزان نفع حاصل از آن است. بنابراین، در نگاه نفع‌مدارانه جهت‌گیری نظام حقوقی در صورتی موجه خواهد بود که نفع اجتماعی را به حداکثر برساند و تأمین‌گر امنیت و آسایش اجتماعی بیشتر باشد.^۴

ثمره ملاک قرار دادن نفع اکثریت در قلمرو قانون‌گذاری، محوریت نفع و مصلحت عمومی خواهد بود. بنابراین، در صورتی که نفع اکثریت در نادیده گرفتن حقوق بنیادین افراد و اقلیت‌ها باشد، این نقض حقوق موجه می‌نماید. بنابراین، نظریه اخلاقی نفع‌مدار نمی‌تواند اصالتاً باوری به

1. Stiven, p; Security and Crimina policy, new york, hart publishing, 2001, p.37

2. garland, D; philosophy of criminal justice and cotemporary theories, London, open university press, 1999, p.161

3. juka, T; Zero Tolerance, oxford university press, second edition, 2006, pp.11-13

4. MacIntyre, A; Whose Justice? Which Rationality?, London: duckworth, 1998, p.68

حقوق بشر داشته باشد، زیرا نقض آنرا به بهانه حفظ نظم و امنیت و منافع جمعیت حداکثری جامعه مجاز و مشروع می‌شمارد.

همان طور که در بحث قبل نیز مورد اشاره قرار گرفت از جمله چالش‌های و محدودیت دیگری که در این زمینه مطرح می‌باشد، لزوم توجه به ملاحظات و اصول اخلاقی است.

۳. چالش‌ها و محدودیت‌ها در حوزه نقض قواعد و تعهدات حقوق بشری مربوط به حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۱.۳.۱. امنیتی شدن گسترده جامعه و ترس از جرم

افراط در اجرای تدابیر امنیت مدار در جامعه مستقیماً باعث افزودن بر دامنه حس ترس از جرم نزد شهروندان شده و به تدریج جامعه‌ای نظارتی و دژ مانند شکل می‌گیرد که علی‌رغم تمامی ادعاهای استحکامی آن، هر لحظه در معرض تعرض قرار دارد. این مسئله خود طبعاً موجب افزایش ترس از جرم شهروندان می‌باشد.^۱

از یک سو، تدابیری چون اجرای علنی مجازات‌ها و سختگیری در کیفر دادن بزهکارانی که جرم ارتکابی‌شان به نوعی در تقابل با منافع جمعی و امنیتی جلوه داده شده است، خود هراس آفرین است.^۲ از سوی دیگر، برخی شیوه‌های پیشگیری وضعی ممکن است منجر به ایجاد یک جامعه فوق‌العاده امنیتی و دژ مانند شود. افراط در به‌کارگیری ابزارهای پیشگیری وضعی مثل دوربین‌های مدار بسته، مأموران پلیس در کوی و گذر، گیت‌های کنترل و ...، جامعه را تبدیل به یک فضای بسته می‌کند که در آن همه چیز تحت نظارت و کنترل است. این امر احساس ترس از جرم را در شهروندان افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، استفاده از تکنیک‌های پیشگیری وضعی ممکن است به‌جای ایجاد احساس امنیت، خود عامل مولد ترس در شهروندان شود.^۳ هر چه حفاظت از یک محیط بیشتر باشد، ترس نیز در آن محیط بیشتر خواهد شد. بنابراین زیاده‌روی در به‌کارگیری روش‌های پیشگیری وضعی سبب ترس از جرم در جامعه می‌گردد.^۴

۲.۳. نقض آزادی‌های فردی و حریم خصوصی

سیاست جنایی امنیت مدار، در مسیر مبارزه با جرمی که معارض امنیت و نظم عمومی قلمداد می‌شوند، توسل به تدابیر مختلفی چون کنترل ارتباطات و اطلاعات افراد، نصب دوربین‌های مدار بسته، نفوذ در اطلاعات فردی در فضای سایبر و ... را مجاز دانسته و توسعه

۱. کاظمی، مهدی؛ ترس از جرم، مجله داور، شماره ۲، ۱۳۸۸، ص ۴

2. Cohen, A; Fear of crime and criminal justice, n.y: wilainpublishing, 2002, p.183

۳. صفاری، علی؛ مبانینظرپیشگیریوضعیازجرم، مجله تحقیقاتحقوقیدانشگاهشهیدبهشتی، شماره‌های ۳۳-

۴۳، 1380، ص ۴۸

۴. کوسن، موریس؛ امنیت خصوصی، ترجمه علی اوسط جاوید زاده، مجله امنیت، شماره ۱۵، ۱۳۷۹، ص ۱۵

می‌دهد. بی‌شک توسل افراطی به نهادی چون بازداشت موقت‌های غیرقابل توجیه، مستقیماً موجب تعرض به حقوق و آزادی‌های فردی می‌گردد. به‌خصوص وقتی که مجریان قانون به بهانه حفظ نظم و امنیت، افرادی را که حداقل رفتار ممکن را انجام داده‌اند به بهانه ارتباط احتمالی با شبکه‌های تروریستی، توقیف و بازداشت می‌نمایند، آن‌هم در شرایطی که نه اتهام صریحی وجود دارد و نه در هنگام توقیف پاسخ مناسبی برای چرایی توقیف بدان‌ها داده می‌شود.^۱

به‌کارگیری برخی فن‌های پیشگیری وضعی ابزاری ممکن است برای تجاوز به حریم خصوصی افراد یک جامعه باشد. از میان فنون مورد استفاده در پیشگیری وضعی نظارت و مراقبت، خصوصاً با استفاده از فناوری‌های نوین همچون دوربین‌های مدار بسته تهدیدی برای حریم خصوصی افراد محسوب می‌شود.^۲

مواردی چون شماره کارت‌های اعتباری، حساب‌های بانکی، اطلاعات دیجیتال و ... نیز بخشی از حریم خصوصی افراد را تشکیل می‌دهند که ممکن است در راستای اجرای تدابیر امنیت مدار سیاست جنایی از سوی نیروهای امنیتی و پلیس ضبط و مورد تعرض قرار گیرند. بنابراین، سیاست جنایی امنیت مدار می‌تواند حتی سبب تعرض به خصوصی‌ترین و بدیهی‌ترین حقوق افراد و شهروندان شده و عملاً جوی پلیسی را بر جامعه حاکم کرده که در آن دیگر حریم خصوصی منزلت خود را از دست و داده و حتی آشکارا مورد تعرض قرار می‌گیرد.^۳

حریم خصوصی یا شخصی از جمله حقوقی به شمار می‌رود که لازم است تمامی انسان‌ها در هر حکومتی با آن آشنا باشند و تجاوز به حریم خصوصی افراد نوعی بد اخلاقی شمرده می‌شود، زیرا فرد مورد نظر از این‌که اطلاعات خصوصی‌اش در دسترس دیگران قرار گیرد ناراضی خواهد بود اعم از اینکه این اطلاعات در زمینه خانه و امکانات زندگی باشد یا در فضای مجازی و یا حق خلوت یا حق داشتن یک زندگی خصوصی، به‌عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان، ارتباط عمیقی با حفظ شأن، کرامت، استقلال فردی، توسعه روابط شخصی و امنیت روانی پایدار و دیگر ارزش‌های مهم انسانی دارد. در ایران هیچ‌یک از قوانین موجود، تعریفی از حریم خصوصی ارائه نداده‌اند و از این منظر مفهوم و معنای حریم خصوصی و گستره مرزهای آن مشخص نیست؛ با این‌همه، اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی مصونیت و تعرض نکردن به حریم خصوصی شهروندان را به رسمیت شناخته است. برخی از قوانین کیفری نیز از جمله قانون نحوه

1- kemshal, h; understanding risk in criminal justice, open university press, 2003, pp.11-45

۲. احمدی، احمد؛ نقض حریم خصوصی؛ چالشی فراروی پیشگیری وضعی از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از

جرم، شماره ۶، ۱۳۸۶، ص ۳۵

3. Kevin, H and Gloria, I; Situational crime prevention: from theory in to practice, London, h.mstatoionery office, 1998, p.34

مجازات‌های اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند، ماده ۶۴۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی و مواد ۱۶، ۲، ۱ و ۱۷ قانون مجازات جرائم رایانه‌ای، حیثیت شهروندان را مورد حمایت قانونی قرار داده‌اند، باین وجود هنوز چارچوب مشخصی برای حریم خصوصی شهروندان و حمایت کیفری از آن تدارک دیده نشده است.

۳.۳. به اعمال تبعیض حفاظتی و تحمیل هزینه مضاعف بر شهروندان

سیاست جنایی امنیت‌مدار هم در بعد حقوقی و هم در بعد جرم‌شناختی، ناچار از به‌کارگیری تدابیری است که مستقیماً با اقتصاد و بودجه عمومی و نیز وضع فردی شهروندان ارتباط دارد. از جمله اقداماتی که عمدتاً در این راستا انجام می‌شود تأسیس و مدیریت شبکه‌های اطلاع‌رسانی که به یک پایگاه اطلاعاتی و امنیتی برای دولت‌ها بدل شده و ضمن انعکاس وقایع جنایی خطرناک برنامه‌هایی مختلفی در راستای حمایت از سیاست‌های خشن و امنیتی دولت حاکم ارائه می‌دهند. چنین شبکه‌های رسانه‌ای بی‌شک هزینه‌زا بوده و شاید در محاسبات اولیه چندان مورد توجه واقع نشده باشند.^۱

از سوی دیگر، دولت‌ها در راستای توسعه تدابیر پیشگیرانه شهروندان را نیز به سرمایه‌گذاری در امر خرید تجهیزات امنیتی چون دوربین‌های مداربسته و ... تشویق می‌کنند که خرید و تأمین آنها برای قشر وسیعی از شهروندان آسان و ممکن نمی‌باشد. بنابراین سیاست مراقبت از خود از سوی شهروندان به تدریج به مقوله‌ای محاسباتی‌تر بدل می‌شود. این در حالی است که بسیاری از مردم به‌سادگی قادر نیستند این تجهیزات را تأمین نمایند لذا هر لحظه احتمال بروز نارضایتی از سوی آنان و طبعاً به چالش کشیده شدن تدابیر کلان امنیتی امری قابل‌انتظار جلوه می‌کند.^۲ چنین مسائلی در جوامع سرمایه‌داری مانند یک قانون نانوشته می‌باشند، زیرا تجربه نشان داده است که اقشار ثروتمند جامعه در اموری چون انتخابات و تصمیمات سیاسی نفوذ دارند و نارضایتی آنها هم انعکاس شدیدتری خواهد داشت.^۳ لذا دولت سعی می‌کند تا حد امکان منافع و رضایت آنها را جلب کند.

۴.۳. محدودسازی حقوق فرهنگی و حق تأمین اجتماعی

امنیت‌مداری سیاست جنایی، بر بعد اجتماعی و فرهنگی حقوق بشر هم آثار مخربی دارد. وقتی که در جامعه اسلوب فکری سیاست جنایی امنیت‌مدار برقرار می‌گردد، ممکن است بسیاری

1. Stenson, K; The new politics of crime control, new york: wilain publishing, 2007, p.159

2. ALBERT, T, E; SITUATIONAL CRIME PREVENTION, LONDON, T.D. LAW PUBLISHING, 1991, pp.34-35

از حقوق اجتماعی و فرهنگی شهروندان محدود و حتی نقض گردد. از سوی دیگر، ابزارهای پیشگیرانه امنیت مدار شاید در نوع خود در کاهش جرم و پیشگیری از آن بسیار کارا باشند.^۱ اما تأکید افراطی بر استفاده از آنها منجر به فراموشی رفع زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جرم در جامعه می‌شود. چنین رویه‌ای ضمن جلوگیری از افراط و تفریط‌های بی‌جا، موجب برقراری رویکردی بادوام و مؤثر در راستای مقابله با جرائم می‌گردد. اتخاذ رویکرد ترکیبی در پیشگیری منجر به بروز نتایج محسوس و مفیدتری خواهد شد. می‌توان با فراهم کردن تدابیر اجتماعی و فرهنگی مناسب از بروز بسیاری از جرائم پیشگیری نمود. وقتی که نظام خدمات اجتماعی به نحو مطلوبی ایفای نقش نماید و حداقل تضمین‌های رفاهی و فرهنگی در جامعه برای زندگانی مسالمت‌آمیز در جامعه برقرار باشد، به همان میزان می‌توان انتظار داشت که حتی نرخ بسیاری از جرائم خشن هم کاهش یابد، زیرا بسیاری از این جرائم ناشی از تبعیض و ضعف در ارائه خدمات فرهنگی و اجتماعی عمومی به شهروندان ریشه دارد که می‌توان با مدیریت مناسب‌تر آن را از حالت کانونی جرم‌زا خارج نمود.^۲

برقراری حقوقی چون بیمه بیکاری، دستمزد شغلی عادلانه، تأمین هزینه‌های عمومی در فضای علنی اجتماع و تدابیری از این نوع می‌توانند در کاهش نرخ وقوع جرم مؤثر باشند، این در حالی است که سیاست جنایی امنیت مدار در بعد پیشگیری موضعی خود چندانی التفات به بدن‌ها ندارد و حتی سبب تضعیف نظام بودجه عمومی موجود در حوزه آنها می‌گردد. دولت ممکن است به بهانه حفظ امنیت ناچار از تأسیس زندان‌هایی امنیتی و جدید گردد که مدیریت روزانه آنها دارای هزینه‌های سرسام‌آوری است. بی‌شک، چنین تدابیری مستقیماً موجب خلل در نظام خدمات‌دهی دولت و ضعف سازوکارهایی چون بیمه‌های اجتماعی و ... می‌گردد که خود بیش از جرم و خسارات آن می‌تواند در نظرگاه شهروندان غیرقابل تحمل باشد.^۳

۵.۳. شروط و قواعد اعمال محدودیت بر حقوق بشر در چارچوب امنیت مداری

به موجب میثاق حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۴)، حقوق بشر، حقوقی مستمر، ذاتی و غیرقابل نقض می‌باشند. علی‌رغم چنین تأکیداتی واقعیات امروز جوامع و خصوصاً توسعه جرائم خشن و سازمان‌یافته که در تقابل با امنیت دولت‌ها و ملل مختلف می‌باشند، سبب شده که حقوق فوق تا حدودی در چارچوب خاصی تعریف و تشریح گردند. از یک‌سو احترام حداکثری به حقوق

1. MARSH, IAN; CRIMINAL JUSTICE AN INTRODUCTION TO PHILOSOPHIES, THEORIES AND PRACTICE, FIRST PUBLISHED, ROUTLEDGE, TAYLOR&FRANCIS GROUP, LONDON AND NEW YORK, 2004, p.235

2. keling, J; Situational crime prevention, oxford: hart publication, 2003, p.94

3. Evans, J; Bias in Human Reasoning; Causes and Consequence, UK:Lawrance Erlbaum Associated, 2001, p.87

بشر لازم و الزامی است^۱ و از سوی دیگر، استیفای این حقوق نباید به مأمنی برای فرار از چنگال عدالت پس از وقوع جرم یا در حال ارتکاب آن گردد. به همین خاطر، دولت‌ها امروزه ناچارند در زمینه‌هایی که واقعاً احساس خطر محسوس وجود دارد، برخی از این حقوق را نادیده بگیرند. با این وجود، هیچ توجیهی نمی‌تواند موجب کنار گذاشتن بستر کلی این حقوق گردد. اعمال محدودیت مشروط به شرایطی قابل قبول است، اما حذف و کنار گذاشتن اصول و حقوق بشری هرگز قابل پذیرش نیست.^۲

در یک معادله دوسویه می‌توان اظهار داشت که حقوق بشر ذاتاً معارضه‌ای با ضروریاتی چون دفع خطر جرم و حذف فرصت جرم و یا برخورد شدید با مجرمان ندارد؛^۳ از سوی دیگر، اجرای عدالت قضایی و تدابیر سیاست جنایی هم لزوماً موجب خدشه به حقوق بشر نیست، اما با این وجود چون بعضاً در شرایطی خاص چاره‌ای چون سلب برخی از این حقوق از برخی افراد که البته رفتار خاص خودشان آنها را در مظان اتهام قرار داده است، وجود ندارد، در عمل تحدیداتی نسبت به این رژیم حقوقی صورت می‌گیرد. این محدودیت‌ها، مشروط به وجود تمامی شروط ذیل قابل پذیرش جلوه می‌کنند، در غیر این صورت قابل قبول نخواهد بود.

(۱) وجود جرم در جامعه واقعاً یک خطر عمومی باشد؛ وقتی که جرائمی چون جرائم سازمان‌یافته ماهیتی دارند که موجب لطمه به موجودیت و تمامیت ملت و دولت است، چاره‌ای جز برخورد شدید با متهمان و محکومان و محدودسازی برخی از حقوق آنها نیست.

(۲) قانون‌مداری در اجرای محدودیت‌ها؛ حتی مواقعی که تحمل محدودیت بر برخی از حقوق بشری متهمان و محکومان لازم می‌آید، کماکان باید در مسیر اجرای هرگونه تدابیری، به اصول و ضوابط قانونی موجود احترام گذاشت. اسناد و موازین بین‌المللی باید مورد توجه بوده و مفاد آنها در عمل مورد متابعت واقع گردد.

(۳) تناسب تدابیر امنیت مدار و میزان محدودیت‌های تجربه‌شده؛ در اجرای برنامه‌های سیاست جنایی امنیت مدار باید به این اصل مسلم توجه داشت که میان تدابیر اجرایی و سطح محدودیت‌های تناسب و تعادل برقرار باشد.

۱- رحیمی نژاد، اسماعیل؛ کرامت انسانی و حقوق کیفری، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷، ص ۲۷۰

۲. مومنی طباطبایی، منوچهر؛ آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چاپ چهارم، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۹،

صص ۸-۱۹

3. Emerson, B. & Ashworth, A.; Human Rights and Criminal Justice, London, Sweet and Maxwell, 2001, p.110

۴. واقع بینی در تعامل حقوق بشر و سیاست جنایی امنیت مدار

سیاست جنایی، با بسیاری از قلمروهای حقوقی و از جمله قلمرو کاربردی حقوق بشر^۱ که در قالبی نظام مند در اعلامیه جهانی حقوق بشر انعکاس یافته است، در تعامل مستقیم می باشد. اعلامیه جهانی حقوق بشر با ایجاد معیاری مشترک برای سنجش دستاوردهای همه انسان ها و ملت ها، در تحقق حقوق و آزادی های بنیادین نوع بشر، خدمت اصلی به حقوق طبیعی را انجام داد و در عین حال با ایجاد تحولات بنیادین بین المللی و تصریح بر ارزش های اخلاقی - انسانی، دوره کنونی را دوران تحول و تنش جهت ایجاد تعادل و توازن میان ادعای جهان شمولی حقوق بشر و چالش های نسبی گرا مبدل ساخت و بسیاری از مفاهیم مانند استقلال، حاکمیت و مشروعیت دولت - کشورها را به چالش کشید.^۲ در این افق، موازین و آموزه های حقوق بشر به نحو قابل ملاحظه ای معیار تعدیل و پالایش سیاست های جنایی قرار گرفته اند و در خیلی از ابعاد به تکامل راهبردهای آنها کمک شایانی نموده اند.^۳ از یک سو، آموزه های حقوق بشری همانند لزوم رعایت آزادی های فردی، احترام به حریم خصوصی افراد، حضور آزادانه شهروندان در برنامه های اجتماعی و ... موجب شده است که منطق کلان سیاست جنایی اتخاذی روحیه سازش گر و مصالحه جویانه به خود گرفته و به فراخور شرایط زمانی و مکانی مختلف به تعدیل راهبردهای خود اقناع گردد. از سوی دیگر، سیاست جنایی و راهبردهای عملی آن به مثابه معیار سنجش میزان و قلمرو واقع گرایی آموزه های حقوق بشری در بعد جنایی جلوه می کنند که می تواند به تحدید و تصفیه ابعاد انتزاعی غیر قابل اجرای آنها در شرایط کنونی جوامع منتهی گردند. از آنجاکه بسیاری از آموزه های حقوق بشر امروزه توسط رویکردهای واقع گرا به چالش کشیده شده و متهم به ذات شعاری و انفعالی و دست نیافتنی گشته اند،^۴ دانش سیاست جنایی که

۱. برای مطالعه بیشتر بنگرید به؛

- کاتوزیان، ناصر؛ عدالت و حقوق بشر، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۳، ۱۳۸۶
- قاری سید فاطمی، سید محمد؛ حقوق بشر در جهان معاصر، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی،

۱۳۸۲

- ذاکریان، مهدی؛ حقوق بشر در هزاره جدید، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱

۲. کاظمی، سید علی؛ حقوق شهروندی در قوانین و مقررات ایران، در مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، تهران: مرکز مطالعات حقوق بشر، ۱۳۸۸، ص ۱۳۴، به نقل از کونانی، سلمان؛ همان، صص ۱۴۴-۱۴۶

۱. برای مطالعه بیشتر بنگرید به؛

- نوریها، رضا؛ سیاست جنایی سرگردان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶، ۱۳۷۸

2. see: Spencer, Maureen; Human Rights, second edition, London, sweet & maxweel publication, 2004.

شخصیتی کاملاً عملی و کاربردی دارد، در حوزه مبارزه با پدیده جنایی توانسته است به نحو روشنی سطح شائبه این مسائل را به تصویر بکشد.

امروزه بسیاری از طرفداران افراطی حقوق بشر، مدعی اند غالب مدل های پیشگیری از جرم معارض حقوق بنیادین بشر است. در بعد پیشگیری وضعی از جرم که در آن تقویت آماج های احتمالی جرم و دشوار سازی ارتکاب بزهکاری بر محور بر هم زدن عقلانیت اقتصادی و محاسبه گر بزهکار در کانون توجه قرار دارد، حامیان حقوق بشر مدعی اند برنامه هایی همانند نصب و بکار بستن دوربین های مدار بسته در سطح شوارع، از مجرای منطق این مدل از پیشگیری، نقض صریح حقوق بشر است. این در حالی است که سیاست جنایی پیشگیرانه امروزه به خوبی روشن نموده که این مسئله ابتدا به ساکن برچسب زننده و محل نظم و امنیت شهروندان نیست و بالعکس خود از موجبات ارتقای امنیت ایشان است. توجیه سیاست جنایی و طراحان آن در این حوزه عموماً بر این محور میل می نماید که مجریان طرح های تعبیه دوربین در پیشگیری وضعی قبلاً به کلیه شهروندان به واسطه اعلانات مختلف به خوبی اخطار وجود دوربین و احتمال و امکان رؤیت شدن را تذکر می دهند. گذشته از این، تفحص دریافته ها و اطلاعات ثبت و ضبط شده این دوربین ها فقط به منظور کشف و نمایش جرم یا جرائم ارتكابی احتمالی صورت می گیرد.

سیاست جنایی طی فرایندی مستمر و قابل انتظار از تعامل و تلاقی ذاتی با حقوق کیفری برخوردار است و لذا پیش بینی نفوذ تحولات این عرصه در بطن سیاست جنایی، امری متعارف و معقول تفسیر می شود. یکی از مهم ترین تحولات، محدودیت های کارکردی آن است. خطرهای جدید ناشی از تحولات فناوری، اقتصادی و سیاسی صورت های بسیار پیچیده تری از جرائم و انحرافات اجتماعی را رقم زده و کارکرد حقوق کیفری و به تبع سیاست جنایی را در صیانت از منافع موضوع حمایت خود دچار مشکل کرده است. یکی از ابزارهای جبران این محدودیت کارکردی، وارد کردن مفهوم «دشمن» در حقوق کیفری و در تقابل قرار دادن آن با مفهوم «شهروند» است. ورود این مفهوم رامی توان هم در صحنه عملی و هم در قلمرو نظری محض رهگیری کرد. بهترین نمونه آن در صحنه عمل، سیاست «جنگ با ترور» در زمان تصویب قانون «میهن پرستی یا پاتریوت»^۱ پس از حملات یازده سپتامبر در آمریکا، و بهترین مثال آن در حیطه

1. see:

- Lee, L.T; The U.S.A PATRIOT Act and Telecommunications: privacy under attack, Rutgers computers and technology Law journal, no.29, 2003.

نظری نیز نظریه آلمانی «حقوق کیفری دشمنان» یا کوبس است.^۱

چنین پنداره‌ای ریشه در عصر مدیریت ریسک جرم و جنبش بازگشت به کیفر دارد.^۲ در این زمان این تلقی شکل گرفته بود که حذف و کنترل ریسک بزهکاران مقتضی برخوردی سرکوبگر است. طی این انگاره بود که مجرمین زباله‌های اجتماعی قلمداد شدند که مستحق هرگونه برخورد تند و سختگیرانه‌ای می‌باشند. این رویکرد، همان جلوه روشن بیگانه، غیرخودی یا دشمن پنداری مجرمان و منحرفان است.

علی ایحال، در عصر حاضر افزایش روزافزون آمار جرائم و انحرافات اجتماعی، به سیاست‌گذاران این فرصت و بهانه را اعطا نموده است که با «رزمنده دشمن» یا «مبارز غیرقانونی»^۳ تلقی کردن بزهکاران و منحرفان در راستای تأمین و حفظ امنیت اجتماعی بر محور سیاست‌هایی از قبیل سیاست تسامح صفر، قوانین و مقررات سخت‌گیرانه‌تری وضع نموده و حداقل رفتارهای نابهنجار و خلاف قانون را به شدت هر چه تمام‌تر پاسخ دهند.^۴ در واقع به موازات امنیت مدار شدن سیاست جنایی، جهت‌گیری کلی آن نیز در مسیری میل می‌نماید که بسیاری از اصول و هنجارهای نظام حقوق بشر را کنار نهاده است. از جمله مهم‌ترین مصادیق تجربی این اصول و هنجارها می‌توان به اصل «لزوم تطهیر پیش پنداره نخستین در سیاست جنایی از قضاوت ارزشی و تفکر قالبی منفی نسبت به مجرمان و منحرفان» و اصل «لزوم توسعه اقتدار و قلمرو مداخله جامعه مدنی به موازات افزایش مداخله دولت در امر پیشگیری و

- Bulzomi, M.D; Foreign intelligence surveillance Act before and after the U.S.A patriot Act, FBI law Enforcement, 2003.

- Martin, K; The U.S.A PATRIOT Acts opplication to library parton records, journal of legislation, no. 29, 2003.

۱- صدر توحید خانه، محمد؛ حقوق در چنبره دشمن، در تازه‌های علوم جنایی، چاپ نخست، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸، ۴۶۵

۲- برای مطالعه بیشتر بنگرید به؛

- نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ کیفر شناسی نو، جرم شناسی نو: درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطر مدار، در تازه‌های علوم جنایی، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۸

3- Unlawful Combanant

4- see:

- Mackenzie, Doris Layton; Correction and sentencing in the 21 st century: evidence based corrections and sentencing, prison journal, vol.81, no.3, 2001. (به نقل

از کونانی، سلمان؛ میرکمالی، علیرضا و امیرحشمتی، دیبا؛ بر هم کنش موازین حقوق بشر و سیاست جنایی امنیت مدار در افق قواعد حقوق بین الملل؛ با تأملی بر قانون میهن پرستی آمریکا، مجله مطالعات پلیس بین الملل، شماره ۱۱، ۱۳۹۱، ص ۱۴۸-۱۴۹).

پاسخگویی به پدیده جنایی» اشاره نمود که کم‌وبیش رسوخ راهبردهای امنیت مدار در بطن سیاست جنایی موجب تحت‌الشعاع قرار گرفتن آنها گشته است. در ارتباط با اصل نخست، این مسئله در جایی بهتر برجسته می‌گردد که امروزه طراحان و مجریان سیاست جنایی مدعی‌اند در خیلی از ابعاد و نسبت به گستره وسیعی از جرائم، تساهل و مدارا سبب هرج‌ومرج بیشتر و بسترسازی مطلوب‌تر برای بروز جرائم و انحرافات گشته است. لذا باید واقع‌بین بود و نوع نگاه اولیه نسبت به مجرمان و منحرفان راه، از محور خوش‌بینی و تساهل به محور سرکوب‌مداری و خشونت سلوکی تغییر داد. اما در ارتباط با اصل راهبردی دوم، لازم به ذکر است که این اصل متأثر از تفکری حقوق بشری است که همواره حضور و مداخله مستقیم جامعه مدنی و سازوکارهای در معیت آن را فاکتور و عامل تعدیل و تنظیم‌کننده قدرت دولت تلقی کرده و مدعی است، ستون اصلی برقراری رژیم حقوق بشر در هر اجتماعی، برخورداری صاحبان این حق از نقشی قابل‌اعتنا در امر انتظام اجتماعی است. درواقع فحوای کلام اصل مذکور در این مسیر میل می‌نماید که حقوق بشر ذاتی عملی و تجربی دارد^۱ که بزرگ‌ترین رکن آن مدخلیت و حضور مردم در سازوکارهای قدرت عمومی است و لذا به موازات در حاشیه ماندن آنها، کنترل و تقلیل قلمرو علمی رژیم حقوق بشر، امری قابل پیش‌بینی است. مع‌هذا، جهت‌گیری امروزین و امنیت مدار سیاست‌های جنایی که رفته‌رفته به سوی تفوق کامل مداخله دولت بر قلمرو مداخله جامعه مدنی و حذف تدریجی اقتدار آن در حال حرکت می‌باشد، به نحو قابل ملاحظه‌ای به متروک ماندن و تعطیل شدن تدریجی اصل مذکور دامن زده است.^۲ این فرایند به شدت از سوی مدافعان حقوق بشر به چالش کشیده شده و نقاط ضعف و کاستی‌های فراوان آن، به خوبی ترسیم و برجسته گشته است.^۳

۱. برای مطالعه بیشتر بنگرید به؛

- مورژنون، ژاک؛ حقوق بشر، ترجمه احمد نقیب زاده، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰

۲. برای مطالعه بیشتر بنگرید به؛

- عمرانی، سلمان؛ پارادایم جنگ علیه تروریسم و کرامت انسانی، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴، ۱۳۸۵

۳. کونانی، سلمان، منع پیشین، صص ۱۴۴-۱۵۰

نتیجه گیری

امنیت گرایي سیاست جنایی اتخاذی جامعه، لزوماً یک راهبرد سراسر منفی و قابل تخطئه جلوه نمی کند، لکن اگر در لوای آن اصول اخلاقی و موازین حقوق بشر نقض شده و ابزارهایی برای دولت‌ها به دست داده شود که بتوانند با دستاویز قرار دادن آنها حداقل تحركات اجتماعی شهروندان را مورد تعقیب و تفتیش قرار دهند، به هیچ عنوان فرایندی قابل دفاع نخواهد بود و حتی می تواند اثر معکوس داشته باشد. اصول اخلاقی، قواعد حقوق بین الملل و اسنادی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر که تنظیم کننده روابط دولت‌ها، سازمان‌ها و شهروندان در دهکده جهانی و در تعامل با همدیگر می باشند، بر این حقیقت صحه گذارده اند که اگر راهبرد امنیت گرایي هویتی انعطاف پذیر و حداقلی نداشته باشد، از چرخه استانداردهای حقوق بشر خارج شده و به ابزاری سیاسی و تبلیغاتی بدل خواهد شد بنابراین، در راستای درک هر چه بهتر مقوله امنیت گرایي بایستی اصول اخلاقی و موازین حقوق بشری را مدنظر داشت.

در جهان پیرامون، واقعیات و اتفاقات متعددی در تحکیم اندیشه امنیت مداری نقش مضاعفی ایفا نموده اند. مثلاً فضای رعب آور پس از فاجعه انسانی ۱۱ سپتامبر توجیه اساسی برای اعمال مجموعه‌ای از اقدامات کنترلی بوده که آزادی‌های مدنی را به نام امنیت داخلی محدود و سلب کرده است. سیاست‌های پلیسی عدم مدارا، استفاده گسترده از نظارت ویدیویی و روش‌های مختلفی که امروزه برای مبارزه با تروریسم مورد استفاده قرار می گیرد با هدف استقرار نظم و امنیت و در نهایت حفظ منافع عمومی است که هیچ توجیهی نمی طلبد.

از جمله جلوه‌های مهم نفوذ اندیشه امنیت مداری به بافت سیاست جنایی در قلمرو ممالک مختلف می توان به مواردی چون جرم انگاری‌های حداکثری و تهاجمی در حوزه جرائم خشونت آمیز و جرائم تروریستی در قلمرو کشورهای چو فرانسه و آمریکا، جرم انگاری بغی در حقوق ایران، توسل افراطی و شدید به قرار بازداشت موقت، نقض حقوق دفاعی متهمان، اجرای مدل‌های امنیت مدار پیشگیری، اشاره نمود. امنیت مداری سیاست جنایی، بر ابعاد مختلف حقوق بشر اثر سو دارد. وقتی که در جامعه اسلوب فکری سیاست جنایی امنیت مدار برقرار می گردد، ممکن است بسیاری از حقوق اجتماعی و فرهنگی شهروندان محدود و حتی نقض گردد. از سوی دیگر، مثلاً ابزارهای پیشگیرانه امنیت مدار شاید در نوع خود در کاهش جرم و پیشگیری از آن بسیار کارا باشند. اما تأکید افراطی بر استفاده از آنها منجر به فراموشی رفع زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جرم در جامعه می شود. سیاست‌های تأمین امنیت در متن سیاست جنایی امنیت مدار، باید از برخی محدودیت‌های حقوق بشری تبعیت کند. هزینه بی توجهی به موازین

حقوق بنیادین افراد، در نهایت آثار مخربی بر نظم و امنیت جامعه خواهد داشت. در پایان نیز باید توجه داشت که به همان دلیلی که در حوزه سیاست عمومی، ماکیاولیسم، مورد انتقاد قرار می‌گیرد. در حوزه سیاست جنایی امنیت مدار نیز ابزار گرایی کیفری، باید مورد انتقاد قرار گیرد. مصلحت سنجی‌های اقتصادی، حزبی، سیاسی، امنیتی و... و توسل بی‌درنگ به کیفر و مقولات کیفری برای نیل به این مصلحت‌ها، در بسیاری از موارد، صبغه‌ای غیر اخلاقی داشته و حتی اگر در دل حقوق کیفری به الزام قانونی اخلاق روی آورده و در تلاش باشیم که با کمک الزامات قانونی جامعه را اخلاقی کنیم، در مقابل، با ابزار گرایی کیفری نوعی بد اخلاقی را وارد سیاست جنایی کرده و از این طریق، به نهادینه شدن بد اخلاقی در جامعه دامن می‌زنیم.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. احمدی، احمد؛ نقض حریم خصوصی؛ چالشی فراروی پیشگیری وضعی از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۶، ۱۳۸۶
۲. بابایی، یوسف و عباسی، اصلی؛ جهانی‌سازی و جرم، چاپ اول، تهران: نشر مجد، ۱۳۹۰
۳. بشیریه، حسین؛ آموزش دانش سیاسی، چاپ چهارم، تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۴
۴. حاجی ده ابادی، محمد علی؛ ارتباط اخلاق و سیاست جنایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه مفید، ۱۳۷۹.
۵. دلماس مارتی، مری؛ مدل‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، تهران: نشر میزان
۶. رحمانیان، حامد، حبیب زاده، محمد جعفر؛ ابزار گرای کیفری، قلمرو، مفهوم، شاخص‌ها، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۵، زمستان، ۱۳۹۲.
۷. رحیمی نژاد، اسماعیل؛ کرامت انسانی و حقوق کیفری، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷
۸. رسن، جفری؛ نگاهی به سیاست تسامح صفر، ترجمه جلال‌الدین قیاسی، مجله فقه و حقوق، شماره ۴، ۱۳۸۴
۹. رسولی، مهدی؛ نظریات فلسفه حقوق کیفری، چاپ اول، تهران، نشر سهند، ۱۳۸۲
۱۰. صدر توحید خانه، محمد؛ حقوق در چنبره دشمن، در تازه‌های علوم جنایی، چاپ نخست، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸
۱۱. صفاری، علی؛ مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۳۳-۴۳، ۱۳۸۰
۱۲. عالی پور، حسن؛ جرائم بر ضد امنیت ملی، چاپ اول، تهران: نشر خرسندی، ۱۳۸۸
۱۳. کریمی، ژاله؛ سیر تکاملی مقررات جزایی از گذشته تاکنون، مجله ندای حق، شماره ۴، ۱۳۷۷
۱۴. کوسن، موریس؛ امنیت خصوصی، ترجمه علی اوسط جاوید زاده، مجله امنیت، شماره ۱۵، ۱۳۷۹
۱۵. کونانی سلمان، مندنی اسلام و انصاری، جمال؛ سیاست جنایی، چاپ دوم، تهران: نشر مجد ۱۳۹۲
۱۶. کونانی، سلمان، میرکمالی، علیرضا و امیرحشمتی، دیبا؛ بر هم کنش موازین حقوق بشر و سیاست جنایی امنیت مدار در افق قواعد حقوق بین‌الملل؛ با تأملی بر قانون میهن‌پرستی آمریکا، مجله مطالعات پلیس بین‌الملل، شماره ۱۱، ۱۳۹۱
۱۷. کونانی، سلمان؛ رویکرد امنیت مداری در حقوق و سیاست جنایی، میزگرد حقوق جزا و تحولات آن، در روزنامه حمایت وابسته به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، ۱۳۹۱
۱۸. محمدنسل، غلامرضا، پلیس و سیاست پیشگیری از جرم، چاپ اول، ۱۳۸۷
۱۹. مومنی طباطبایی، منوچهر؛ آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چاپ چهارم، تهران، نشر دانشگاه

تهران، ۱۳۸۹

۲۰. نوربها، رضا؛ سیاست جنایی سرگردان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶، ۱۳۷۸.

ب) منابع انگلیسی

21. Albert, T, E; Situational crime prevention, London, T.D. Law publishing, 1991
22. Cohen, A; Fear of crime and criminal justice, n.y: wilainpubilishing, 2002
23. Emerson, B.& Ashworth. A; Human Rights and Criminal Justice, London, Sweet and Maxwell, 2001
24. Evans, J; Bias in Human Reasoning; Causes and Consequence, UK: Lawrance Erlbaum Associated, 2001
25. Garland, D; Punishment and modern society, the university of Chicago press, 1999
26. garland, D; philosophy of criminal justice and cotemporary theories, London, open university press, 1999
27. juka, T; Zero Tolerance, oxford university press, second edition, 2006
28. kemshal, h; understanding risk in criminal justice, open university press, 2003
29. Kemshal, H; Risk – Oriented criminal policy and new penology, criminal law and criminology, No.34, 2005
30. Kevin, H and Gloria, l; Situational crime prevention: from theory in to practice, London, h.mstatoionery office, 1998
31. keling, J; Situational crime prevention, oxford: hart publication, 2003
32. Lyons, W; Crime and Criminal justice, Ashgate publishing, company great Britain, 2006
33. Marsh, Ian; Criminal Justice An Introduction to Philosophies, Theories and practice, First Published, Routledge, Taylor&Francis Group, London and New York, 2004
34. Roach, K; The criminal law and Terrorism, second edition, Cambridge university press, 2006
35. Stenson, K; The new politics of crime control, new york: wilain publishing, 2007
36. Pound, R; Public law and Private law, criminal law and criminology, vol.5, issue.4, 1993, p.57
37. Stiven, p; Security and Crimina policy, new york, hart publishing, 2001
38. Spencer, Maureen; Human Rights, second edition, London, sweet &maxweel publication, 2004.